

بررسی موارد ادعایی نسخ در مدخل نسخ دایرةالمعارف اسلام لایدن*

محمدعلی رضایی اصفهانی* و حامد شاهبیگی***

چکیده

نسخ یکی از مسائل مهم و بحث برانگیز قرآنی است. نسخ در نظر متقدمان بیشتر در همان معنای لغوی «ازاله» به کار رفته لذا به مخصص و مقید و هر آنچه استثناء و تبصره‌ای بر کلیات و عموماً بوده ناسخ می‌گفتند. این در حالی است که متأخران، مفهوم نسخ را محدودتر دانسته و تمایز روشنی بین نسخ، عام، خاص، مطلق، مقید و استثناء قائل بودند. از آنجایی که اصطلاح نسخ یک تعریف ثابت در بین علما نداشته است، شاهد اختلاف نظر فراوانی در تعداد آیات ناسخ و منسوخ هستیم به گونه‌ای که متقدمین شمارگان زیادی را به عنوان آیات ناسخ و منسوخ گزارش کرده‌اند، اما در عصر حاضر با توجه به دقت در معنا اصطلاحی نسخ، تنها در صورتی که بین دو آیه اختلاف عمیقی باشد به گونه‌ای که جمع حکم دو آیه با هم ممکن نباشد، حکم به نسخ می‌شود به خاطر همین، آمار بسیار کمتری ارائه شده است و حتی شاهد انکار وجود آیه منسوخ در قرآن هستیم. اما مستشرقان بدون تفکیک در تعریف نسخ دیدگاه حداکثری در شمارگان آیات ناسخ و منسوخ دارند. از آنجایی که نسخ را نتیجه تعارضات در قرآن می‌دانند و وجود تعارض در قرآن یک عیب بر آن محسوب می‌شود، علاقه‌مندند که تعداد آیات ناسخ و منسوخ را بسیار زیاد نشان بدهند. مدخل نسخ دایرةالمعارف یکی از جاهایی که لازم است مورد بررسی و نقد قرار گیرد در این پژوهش کلیه مواردی را که در مدخل نسخ دایرةالمعارف اسلامی لایدن به عنوان مورد نسخ ادعا شده است بررسی کردیم و نتیجه گرفتیم که در هیچ کدام از موارد ذکر شده نسخ مصطلح صورت نگرفته است. و در قرآن آیه منسوخ به معنای مصطلح آن وجود ندارد و کلیه موارد ادعایی یا مصداق تقیید مطلق و یا تخصیص عام و یا نسخ تمهیدی و مشروط است.

واژگان کلیدی: قرآن، آیه، نسخ، ناسخ، منسوخ، مستشرقان، دایرةالمعارف اسلام.

* . تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۹.

** . استاد جامعه المصطفی العالمية و عضو هیئت علمی پاره وقت مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی: rezaee.quran@gmail.com

*** . دانش‌آموخته مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی، قم (نویسنده مسئول): hsh25100@gmail.com .

مقدمه

مطالعات قرآنی مستشرقان مورد توجه مجامع مختلف قرار گرفته است و گاهی قرآن با همین رویکردها در دنیا معرفی می‌شود. یکی از مسائل مهم و بحث برانگیز در مطالعات قرآنی مسأله نسخ است. نسخ در بین متقدمین بیشتر به معنای لغوی آن به کار می‌رفته و شامل تقیید، تخصیص و استثناء هم می‌شده است. که طبعا مصادیق فراوانی دارد. اما در بین متأخرین معنای دقیق‌تری پیدا کرده و متمایز از موارد فوق شده است و مصادیق آن بسیار کم است و حتی انکار وقوع آن خالی از قوت نیست لذا اخیرا نسخ مشروط و تمهیدی به عنوان تنها موارد موجود نسخ مطرح شده است. اما شاهد هستیم که مدخل نسخ دایرة المعارف لایدن بدون در نظر گرفتن این سیر تطور از طرفی نسخ را ایده‌ای می‌داند که به علت وجود تعارض‌ها پایه‌گذاری شده است از طرفی تعداد آیات منسوخ را صدها عدد می‌داند و موارد متعددی از نسخ تلاوت را بدون نقد جدی مطرح می‌کند، لذا در این نوشتار کلیه مواردی که در مدخل نسخ دایرة المعارف اسلامی لایدن به عنوان مورد نسخ مطرح شده است را استخراج نموده و بررسی کرده‌ایم تا معلوم شود نسخی صورت نگرفته است و تعارضی هم وجود ندارد و نظریه نسخ تلاوت هم باطل است. در گردآوری مطالب این نوشتار از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است و در مقام تحلیل و نقد اندیشه‌ها با روش توصیفی تحلیلی ابتدا دیدگاه مدخل نسخ درباره آیات مورد ادعا بیان شده است سپس اشکالات مدخل نسخ توضیح داده شده و در نهایت دیدگاه صحیح تبیین شده است.

مفهوم‌شناسی

نسخ یکی از مسائل مهم و بحث برانگیز قرآنی است. نسخ در لغت به معنای ازاله، تغییر، ابطال و جایگزینی است (فیروزآبادی، ۱/۳۷۴) این مفهوم در دیدگاه متقدمان بیشتر در همان معنای لغوی «ازاله» به کار رفته است. لذا به مخصص و مقید و هر آنچه استثناء و تبصره‌ای بر کلیات و عمومات بوده ناسخ می‌گفتند. همین باعث شده است که خیلی از آیات که در اصطلاح دقیق، خارج از موضوع نسخ قلمداد می‌شوند در زمره آیات نسخ قرار گیرند (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۲۴۹؛ زید، النسخ فی القرآن الکریم، ۱۳۹۱: ۷۳/۱؛ زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی‌تا: ۱۵۰/۲؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۳۶/۲).

این در حالی است که متأخران، مفهوم نسخ را محدودتر دانسته و تمایز روشنی قائل بودند بین نسخ، عام، خاص، مطلق، مقید و استثناء. در آخرین و کامل‌ترین تعریف‌ها از نسخ اصطلاحی اینگونه گفته شده است: «نسخ عبارت است از برداشتن حکمی که علی الظاهر دائمی بوده، به

وسیله یک حکم جدید، به گونه‌ای که هم زمان بودن هر دو حکم ممکن نباشد؛ خواه این عدم امکان به خاطر این باشد که این دو حکم در ذات با هم منافات دارند و یا اینکه دلیل دیگری هم چون اجماع یا تصریح شریعت باشد» (معرفت، التمهید، ۱۴۱۵: ۲/۲۷۱).

از آنجایی که اصطلاح نسخ یک تعریف ثابت در بین علما نداشته است شاهد اختلاف نظر فراوانی در تعداد آیات ناسخ و منسوخ هستیم به طوری که برخی گفته‌اند در ۷۱ سوره قرآن ناسخ و منسوخ یا یکی از آن‌ها وجود دارد (سیوطی، الاتقان، ۱۴۲۱: ۱/۶۵۰) متقدمین شمارگان زیادی را به عنوان آیات ناسخ و منسوخ گزارش کرده‌اند به طوری که برخی آن را به حدود ۲۰۰ آیه رسانده‌اند (معرفت، التمهید، ۱۴۱۵: ۲/۳۱۷) حتی ۵۰۰ آیه و بیشتر هم گزارش شده است (دهلوی، الفوز الکبیر، ۱۳۸۲: ۵۳) اما در عصر حاضر با توجه به معنای اصطلاحی نسخ تنها در صورتی که بین دو آیه اختلاف عمیقی باشد به گونه‌ای که جمع حکم دو آیه با هم ممکن نباشد، حکم به نسخ می‌شود به خاطر همین آمار بسیار کمتری ارائه شده است و حتی شاهد انکار وجود آیه منسوخ در قرآن هستیم. به گونه‌ای که استاد معرفت در التمهید نسخ هشت آیه (معرفت، التمهید، ۱۴۱۵: ۲/۳۱۶-۲۹۹)، زرقانی نسخ هفت آیه (زرقانی، مناهل العرفان، بی تا: ۲/۱۵۲-۱۶۶)، آیت الله سبحانی نسخ دو آیه، آیت الله خویی نسخ تنها یک آیه (خویی، البیان، ۱۴۳۰: ۳۷۷) را پذیرفته‌اند. دقت در آیات و موارد ادعایی نسخ باعث شد که آیت الله معرفت در نوشته‌های اخیر و گفتارهای شفاهی خود به کلی نسخ مصطلح را در قرآن انکار و نظریه نسخ تدریجی، مشروط و تمهیدی را مطرح کنند (معرفت، بینات، ۱۰۶/۴۴).

علاوه بر این نسخ مصطلح به سه صورت قابل فرض است «رفع حکم و تلاوت» و «رفع تلاوت و بقای حکم» و «رفع حکم و بقای تلاوت». از این موارد نسخ «تلاوت و بقای حکم» و «نسخ تلاوت و حکم» کاملاً مردود شمرده شده است چرا که مستلزم تحریف قرآن است و دلیل قابل استنادی هم ندارد. اما موارد احیاناً پذیرفته شده نسخ همه از نوع «رفع حکم و بقای تلاوت» است.

مستشرقان بدون تفکیک در تعریف نسخ دیدگاه حداکثری در شمارگان آیات ناسخ و منسوخ دارند. چون نگاه غلطی به نسخ دارند و آن را نتیجه تعارضات در قرآن می‌دانند و وجود تعارض در قرآن یک عیب بر آن محسوب می‌شود علاقه مندند که تعداد آیات ناسخ و منسوخ را بسیار زیاد نشان بدهند. و یا آمار را بالا می‌برند تا قرآن را متنی مبهم نشان دهند. نویسندگانی از خاورشناسان می‌نویسند: «از عیب‌هایی که مخصوص دین اسلام است مسأله ناسخ و منسوخ است. هرکس قرآن و تفاسیرش را بررسی کند می‌بیند ناسخ و منسوخ در آن فراوان است؛ به گونه‌ای که هیچ سوره‌ای از آن ناسخ و منسوخ خالی نیست و این باعث تشویش ذهن و اضطراب فکر است؛ زیرا هر کس

بخواهد قرآن را مطالعه کند در سرگردانی و حیرت می ماند و تمییز بین آیاتی که می توان به آن عمل کرد و آیاتی که عمل به آن روا نیست بر وی دشوار است» (بلاغی، الهدی فی الی دین المصطفی، بی تا: ۱/۳۴۱).

این در حالی است که موارد نسخ اصطلاحی بسیار محدود است و می توان ادعا کرد اصلاً وجود ندارد. و نظر متقدمین یک دیدگاه تسامحی بوده است. مدخل نسخ در دایرة المعارف اسلامی لایدن (Encyclopaedia of Islam) (۷/۱۰۰۹-۱۰۱۲) که به قلم جان برتن (John Burton) نگاشته شده است یکی از جاهایی است که باید مورد بررسی و نقد قرار گیرد در این مدخل از طرفی نسخ را ایده ای می داند که به علت وجود تعارض های زیاد و کلی بین دو آیه، دو حدیث، یک حدیث و یک آیه، هم چنین بین قرآن و حدیث با فقه، پایه گذاری شده است (برتن، دایرة المعارف اسلامی، ۱۴۱۸: ۹۸۹۶) از طرفی تعداد آیات منسوخ را صدها عدد می داند (همان، ۹۸۹۸). در عین حال موارد متعددی از نسخ تلاوت را بدون نقد جدی مطرح می کند، لذا در این پژوهش کلیه مواردی که در مدخل نسخ این کتاب به عنوان مورد نسخ ادعا شده است را بررسی می کنیم.

نسخ آیه وصیت توسط آیات ارث

مدخل نسخ می گوید: به نظر می رسد، دستور آیه ۱۸۰ سوره بقره مبنی بر اینکه مسلمانان، هنگام مرگ، باید برای والدین و بستگان خود (نزدیک ترین بستگان) وصیت نمایند، با آیات موارث (نساء/ ۱۲ و ۱۳) که برای هریک از بازماندگان، میزان ارث مشخصی تعیین کرده است، منسوخ شده باشد (همان، ۹۸۹۶) البته کمی جلوتر می گوید: نسخی بین آیه ۱۸۰ بقره و آیات ارث در سوره نساء صورت نگرفته است. چرا که ارث غیر از وصیت است و آیات سوره نساء هم شامل ارث و هم شامل وصیت می شوند. لکن حدیث «لا وصیة لوارث» ناسخ آیه وصیت است. و این نمونه ای از باب نسخ قرآن توسط سنت می باشد (همان، ۹۸۹۸).

بررسی و نقد

بین آیه وصیت و آیه میراث تعارضی وجود ندارد و هر دو آیه قابل عمل است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۵: ۱/۴۸۳). با کنار گذاشتن دو آیه در کنار هم و رفع ید از وجوب آیه وصیت و حمل آن بر استحباب می توان بین دو آیه جمع کرد. تفسیر نمونه می گوید آیه حمل بر استحباب مؤکد می شود (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱/۶۱۵) پس در حقیقت اطلاق آیه کنار گذاشته شد، از باب نسخ نخواهد بود. بلکه تقیید است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۱: ۲/۳۲۰).

و اما نسخ قرآن به سنت چند گونه قابل تصور است: ۱. نسخ به وسیله سنت متواتر؛ ۲. نسخ به وسیله اجماع قطعی که کاشف از صدور نسخ از سوی معصوم علیه السلام باشد؛ ۳. نسخ به وسیله خبر واحد. نظر محققین بر این است که نسخ در صورت سوم (نسخ به وسیله خبر واحد) ممکن نیست (رک: خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۱: ۲۸۴-۲۸۵؛ سیدمرتضی، ۱/ ۴۶۰-۴۶۱؛ شیخ طوسی، العده فی اصول الفقه، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۲۱). چرا که خبر واحد ظنی است اما قرآن و سنت متواتر قطعی اند و رها کردن معلوم به واسطه مظنون روا نیست. درباره صورت اول و دوم از نسخ، دو نظریه عمده وجود دارد: نظریه اول که قائل است چنین نسخی نه ممکن است و نه واقع شده است این قول، قول شیخ مفید و پیروان شافعی است (مفید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ۱۴۱۴: ۱/ ۱۲۴؛ سبکی، الإبهاج فی شرح المنهاج علی منهاج الوصول إلى علم الأصول للیبضاوی، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۵۰) از ظاهر کلام علامه طباطبایی نیز این مطلب برداشت می شود (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱۴/ ۱۵) نظریه دوم قائل است که نسخ قرآن به وسیله سنت متواتر و اجماع قطعی امکان دارد و اگر چنین نسخی واقع و ثابت شده باشد، پذیرفته می شود. اما احتمالاً چنین نسخی اصلاً واقع نشده است (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۲۸۵).

بنا بر این حدیث «لاوصیة لوارث» چون خبر واحد است نمی تواند نسخ آیه قرآن باشد. از این جهت اگر بتوان سند حدیث را پذیرفت حمل بر وصیت در بیشتر از ثلث به نفع یک وارث می شود (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۵: ۱/ ۴۸۳). و یا حمل بر کراهت وصیت به نفع یکی از ورثه می شود.

نسخ آیات صفح توسط آیات جهاد

در مدخل نسخ آمده است که آیات مکی، مسلمانان را به صبر در برابر آزار و اذیت کفار فرا می خوانند، این در حالی است که آیاتی دیگر، آن ها را به جنگ علیه کفار دعوت می کنند. اختلاف بین این دو گروه از آیات، بیانگر این است که وضعیت های متفاوت، دستورات و احکام مختلفی را می طلبند. کتاب الهی نباید حاوی تناقضات باشد، لذا باید این تناقضات حل شوند (برتن، دایرة المعارف اسلام، ۱۴۱۸: ۹۸۹۷) در جایی دیگر بدون نقد و ردی می گوید آیه پنج سوره توبه موسوم به آیه سیف ناسخ ۱۲۴ آیه قرآن است (همان، ۹۸۹۸).

بررسی و نقد

اساساً احکام آیات صفح و آیات جهاد از قبیل احکام صادره برای شرایط متفاوت است و هر یک طبق شرایط خاص خود قابل اعاده و تکرار می باشد؛ لذا این آیات از مصادیق روشن نسخ مشروط است. با اندک تأملی در می یابیم که تغییر حکم الهی از مدارا کردن به قتال و جهاد، ناشی

از تغییر در موضوع است یعنی وضعیت مسلمانان که از ضعف به قوت رسیده حکم را متفاوت کرده است. اما درباره آیه سیف لازم به ذکر است که الاتقان از قول ابن عربی نقل می‌کند که آیه سیف ناسخ ۱۲۴ آیه قرآن است و آخر آیه ناسخ اول آیه است! بعد خود الاتقان این را نمی‌پذیرد (سیوطی، الاتقان، ۱۴۲۱: ۱/۶۵۹) روشن است که منظور، نسخ مصطلح نبوده بلکه مراد نسخ در اصطلاح متقدمین است. که شامل تخصیص، تقیید، استثناء و .. می‌شود.

یکی از آیاتی که ادعا می‌شود با آیه سیف نسخ شده است آیه «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال/ ۶۱). زیرا این آیه به صلح و سازش تشویق می‌کند ولی آیه سیف، به جنگ فرمان می‌دهد. در حالی که به هیچ وجه نسخی صورت نگرفته است. زیرا:

یکم - آیه «سیف» اختصاص به مشرکین دارد و شامل غیر آن‌ها نمی‌باشد، لذا رسول خدا ﷺ در سال دهم هجرت با مسیحیان نجران که اهل کتاب بودند، پیمان صلح برقرار کرد، با اینکه سوره براءت و آیه سیف در سال نهم هجرت نازل گردیده بود، اگر آیه سیف بر اهل کتاب شمول و عمومیت داشت، رسول خدا با نصارای نجران - که اهل کتاب بودند - پیمان صلح منعقد نمی‌کرد. از این رو آیه صلح یک حکم کلی و عمومی را در بر دارد که با آیه سیف تخصیص و استثنا خورده است و بدیهی است که استثنا و تخصیص غیر از نسخ است.

دوم - وجوب جنگ با مشرکین و جایز نبودن صلح با آنان مشروط به این است که مسلمانان در برابر مشرکین از قدرت و امکاناتی برخوردار بوده و احتمال غلبه و پیروزی برای مسلمانان در میان باشد و در غیر این صورت صلح و سازش با کفار هیچ ایراد و اشکالی ندارد، چنان که رسول خدا در «حدیبیه» از این قانون استفاده نموده با قریش پیمان صلح برقرار نمود. بنا بر این در صورت ضعف جای آیه صلح و در صورت نیرومندی و برتری مسلمانان جای آیه سیف است (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۳۵۳).

اینکه نویسنده مدخل نسخ بدون توجه به تفاوت نسخ در تعابیر متقدمین به گونه‌ای مطلب را نقل می‌کند که گویا این آیات با هم تعارض و تنافی دارند نشان‌دهنده، صداقت نداشتن در تحقیق است.

نسخ آیه عدد مقاتلین

مدخل نسخ می‌گوید از تغییر و تحول در قرآن، آیه ۶۶ سوره انفال است که نسبت مسلمین برای جنگ با کفار را از یک به دهی که در آیه قبلی بود به یک به دو رسانده است (برتن، دایرة المعارف اسلامی، ۱۴۱۸: ۹۸۹۸).

بررسی و نقد

گرچه برخی از علما در این مورد قائل به نسخ شده‌اند اما حق این است که نسخی به معنای مصطلح آن صورت نگرفته است. آیت‌الله خوئی و علامه طباطبایی سیاق هر دو آیه را، شاهی بر نزول هم‌زمان آن‌ها دانسته‌اند؛ بنابراین ناسخ بودن آیه دوم، نسبت به آیه اول را نمی‌پذیرند (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۳۵۴؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۳۲۵/۹). و باید آیه اول را بر یک حکم مستحب و آیه دوم را بر یک حکم واجب حمل کرد، یعنی اگر تعداد دشمنان حداکثر دو برابر تعداد مسلمانان باشد وظیفه دارند از میدان جهاد عقب‌نشینی نکنند، اما اگر بیش از دو برابر باشد تا ده برابر می‌توانند از جهاد خودداری کنند، اما بهتر آن است که باز هم دست از جهاد بر ندارند. تفسیر نمونه می‌گوید: این مربوط به مراتب ایمان است وقتی بین مسلمانان افراد تازه کار و ناآزموده و ساخته نشده بوده باشند مقیاس سنجش همان نسبت دو برابر است، ولی به هنگامی که افراد ساخته شده و ورزیده و قوی الایمان بوده باشند این نسبت تا ده برابر ترقی می‌کند. بنا بر این دو حکم مذکور در دو آیه، مربوط به دو گروه مختلف و در شرائط متفاوت است و به این ترتیب نسخی در اینجا وجود ندارد (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۲۳۹/۷) لذا آیت الله معرفت نیز این آیه را از مصادیق نسخ مشروط بر شمرده است (معرفت، بیانات، ۱۳۸۳: ۱۰۴/۴۴).

نسخ آیه نجوا

«آیه ۱۳ سوره مجادله، حکم آیه قبلی خود را مبنی بر پرداخت صدقه در قبال دیدار پیامبر، نسخ کرده است» (برتن، دایرة المعارف اسلامی، ۱۴۱۸: ۹۸۹۸).

بررسی و نقد

آیه نجوی طبق نظر تقریباً همه قرآن‌پژوهان شیعی و بسیاری از دانشمندان سنی، جزو آیات منسوخ قرآن قرار دارد. قبلاً گفتیم که آیه الله خوئی، تنها مصداق نسخ در قرآن را همین آیه دانسته است، اما این نسخ تناقض و تنافی و اصلاح رأی و نظر نبود بلکه امتحانی برای اصحاب بود. خداوند بندگان را به حال خود رها نکرده است، بلکه هر از گاهی آنان را امتحان می‌کند تا سره از ناسره، راستگو از دروغگو و مومن از منافق شناخته شود. راه‌های گوناگونی برای آزمایش وجود دارد. از جمله راه‌ها، آوردن حکمی است برای امتحان و بعد از گذراندن امتحان از سوی مردم حکم نسخ می‌شود و شکست‌خوردگان در امتحان و پیروشدگان در آن مشخص می‌شوند. آیه نجوا چنین است و امام علی علیه السلام تنها پیروز این میدان می‌باشد و حجتی است آشکار بر برتری ایمان علی بن ابی طالب علیه السلام بر دیگران. زمانی که این حکم مقرر شد، کسی بدان اقدام نکرد و همگان از نجوای

با پیامبر پرهیز کردند، جز یک نفر و او کسی جز علی بن ابی طالب علیه السلام نبود. وی دیناری داشت که به ده درهم تبدیل کرد و برای هر بار رازگویی با پیامبر درهمی به فقیران پرداخت (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۲۰/۱۲). پس از آن آیه ۱۳ نازل شد و حکم لزوم پرداخت صدقه در رازگویی با پیامبر نسخ شد.

اما می توان گفت علی رقم اینکه حکم آیه برداشته شد و برتری ایمان علی علیه السلام آشکار گشت باز هم این آیه را نمی توان آیه ای منسوخ به حساب آورد چرا که پیام آن هم چنان وجود دارد. توضیح مطلب این است که این جریان برای تربیت مسلمانان در عهد پیامبر بود که بی جهت مزاحم اوقات پیامبر نشوند و برای وقت پیامبر ارزش بیشتری قائل باشند و این هدف با نزول آیه حاصل شد (قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵: ۳۵۱۲/۶) اما این پیام برای همیشه پابرجا است تا مراجعه به سران مسئول، تنها در مسائل کلان و ارزشمند کشوری و دینی بوده باشد، نه در مسائل کوچک و کم ارزش (رضایی اصفهانی، نسخ مشروط از منظر استاد معرفت، ۱۳۸۲: ۲۴۴).

نسخ آیه قبله

مدخل نسخ از آیات تغییر قبله به عنوان موارد نسخ نام می برد (برتن، دایرة المعارف اسلامی، ۱۴۱۸: ۹۸۹۸).

بررسی و نقد

در تحلیل آیات قبله، آیه ای که منسوخ شده باشد دیده نمی شود. یعنی حکم نماز به مسجد الاقصی در قرآن نیامده است تا نسخ شود. تنها آیه ۱۱۵ سوره بقره ممکن است با این بیان مورد توجه قرار گیرد که طبق مضمون آن مسلمانان در اوائل طلوع اسلام مخیر و آزاد بودند که در حال نماز به هر سو که بخواهند رو کنند اما رسول خدا بیت المقدس را به عنوان قبله انتخاب نمود که به سوی آن نماز بخوانند، سپس ضمن آیه ۱۵۰ سوره بقره دستور توجه به سوی بیت الحرام آمد و توجه به بیت المقدس نسخ گردید. اما باز نمی توان قائل به نسخ آیه ۱۱۵ شد چون که آیه ﴿فَأَيُّنَ مَا تُؤَلُّوْا﴾ هیچ ارتباطی به مسأله قبله و بیان و جهت و نقطه ی توجه در حال نماز ندارد تا با آیات دیگر نسخ گردد، بلکه این آیه یک حقیقت ثابت و تغییرناپذیر اعتقادی را بیان می کند که قابل نسخ نیست و آن که خداوند در جای معین و نقطه خاصی نیست و در هر سو و در هر نقطه و در همه جا وجود دارد، به گونه ای که به هر طرف که رو کنید، خداوند در آن جاست (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۲۸۹).

نسخ آیه جزای فاحشه

مورد دیگری که مدخل نسخ ذکر می‌کند نسخ آیه ۱۵ سوره نساء توسط آیه ۲ سوره نور است (برتن، دایرة المعارف اسلامی، ۱۴۱۸: ۹۸۹۸).

بررسی و نقد

مفاد آیه ۱۵ سوره نساء دلالت بر این دارد که زنانی که مرتکب فاحشه شوند را بعد از اقامه شهادت چهار نفر مسلمان در خانه‌ها نگه دارید تا مرگشان برسد و یا خداوند راهی برایشان قرار دهد. در این مورد بعضی احتمال داده اند که فاحشه معنایی اعم از زنا باشد لذا آیت الله خوئی قائل است که فاحشه اعم از زنا است و حبس و زندانی کردن در خانه هم تعزیر یا حد زنا نیست که بگوئیم با آیه جلد یا قانون رجم، نسخ شده است بلکه این حبس به عنوان پیشگیری از فحشاء است. ظاهر آیه این است که منظور از نگاه داشتن چنین زن‌هایی در خانه، جلوگیری از آن‌ها از ارتکاب گناه برای بار دوم و پیشگیری از تکرار و توسعه کار زشت است و جای تردید نیست که جلوگیری از به وقوع پیوستن و گسترش یافتن کارهای زشت و ناشایست و حفظ جان و ناموس بشر از تعدی‌ها و تجاوزات و افراد منحرف به هر یک از افراد جامعه و مسئولین امور، فرض و واجب می‌باشد بلکه بنا به عقیده بعضی از علما جلوگیری از هر کار بد گرچه خیلی مهم نباشد واجب و لازم است (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۳۰۹).

استاد معرفت با توجه به مبنای نسخ تمهیدی و مشروط می‌گوید: «به نظر می‌رسد که دستور وارد در این دو آیه یک دستور اخلاقی و خانوادگی است که هرگاه مشاهده شود دختری بی‌پروا حرکاتی ناشایست انجام می‌دهد و در برخوردهای برون منزلی، تحفظی از خود نشان نمی‌دهد. با ثابت شدن آن از طریق شهادت حداقل چهار نفر از اعضای خانواده، بایستی وی را از بیرون رفتن جلوگیری کنند تا پایان عمر، مگر آن‌که راه خدایی را پیش گیرد و فردی سر به راه باشد؛ و نیز هرگاه مشاهده شد که میان دو فرد از اعضای خانواده روابطی مشکوک به چشم خورد. آنان را مورد ملامت قرار دهید تا از حرکات ناپسند خود دست بردارند و سر به راه شوند» (معرفت، نسخ در قرآن در تازه‌ترین دیدگاه‌ها، ۱۳۸۳: بینات، ۴۴/۱۰۵).

حذف آیاتی از قرآن (نسخ تلاوت)

مدخل نسخ می‌گوید بعضی از موادی که درباره آنها ادعای نسخ شده است عبارتند از: حذف آیه‌ای که در ستایش شهدای بتر معونه آمده بود و هم چنین حذف آیه ابن آدم و هم چنین، حذف قسمت‌هایی از سوره‌های توبه و احزاب، این دو سوره قبل از حذف، به بلندی سوره بقره بوده‌اند و آیات سنگ‌سار نیز جزو آن بوده‌اند (برتن، دایرة المعارف اسلامی، ۱۴۱۸: ۹۸۹۷).

همچنین آیه موهوم رجم را مطرح می‌کند و می‌گوید: مالک حدیثی را نقل می‌کند از عمر که آیه رجم در قرآن موجود بود و در نمازها خوانده می‌شد و نص آیه این بود: «الشیخ و الشیخه اذا زنیا فارجموهما البتة نکالا من الله» کسی حرف عمر را نپذیرفت. عمر نخواست آن را در قرآن اضافه کند که متهم به تغییر قرآن نشود (همان، ۹۹۰۱). وی در ادامه به گونه‌ای بحث را جلو می‌برد که گویا باید نسخ قرآن با سنت را پذیرفت و گفت حکم زنا در قرآن توسط سنت نسخ شده است یا نسخ تلاوت و بقای حکم آیه موهوم رجم را قائل شد. برتن ادامه می‌دهد و می‌گوید برخی فقهای متأثر از شافعی چون نخواستند نسخ قرآن با سنت را بپذیرند ناچار شدند قائل به نسخ تلاوت گردند. وی هم چنین آیه موهوم عدد رضعات را هم مطرح می‌کند که از عایشه منقول است که گفته است: خداوند، آیه‌ای را نازل کرد مبنی بر اینکه حداقل دفعات شیردهی ۱۰ دفعه است و سپس آیه‌ای نازل شد که این عدد، پنج دفعه اعلان شد. این آیه دوم تا زمان رحلت پیامبر، اجرا می‌شد. مالک، این نقل قول را رد کرده است، چرا که می‌گوید این با عمل مسلمین همخوانی ندارد. اما شافعی این نقل قول را پذیرفت و آن را مبنای فقهی خود قرار داد (همان، ۹۹۰۱).

بررسی و نقد

نسخ تلاوت، خلاف حکمت است که آیه‌ای مستند حکم باشد، ولی محو شود و حکم آن هم چنان باقی بماند. علاوه بر این که پذیرش این گونه نسخ مستلزم تحریف قرآن است که آیه‌ای از قرآن کم شده باشد و این مخالف وعده الهی در قرآن در مورد حفظ آن است. آیت الله خوبی و آیت الله معرفت به شدت با این مسأله مخالفت کرده‌اند. اصل کلام این دو عالم محقق این است که: اولاً پذیرش نسخ تلاوت مستلزم قول به تحریف است. ثانیاً مستند این قول اخبار احاد است و خبر واحد نمی‌تواند قرآنیث را ثابت کند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵، ۲/۲۸۸؛ خوبی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۲۸۴) همان‌گونه که نمی‌تواند ناسخ قرآن باشد. علاوه بر این، این نوع نسخ با مصلحت نزول نیز منافات دارد؛ زیرا اگر حکمی دارای مصلحت باشد، دلیلی بر نسخ تلاوت آیه و باقی ماندن حکم وجود ندارد. به خصوص در جایی که متن آیه سند آن حکم باشد.

در مسأله تحریف شیعه و سنی اتفاق دارند که قرآن تحریف نشده است. کارهای تحقیقاتی زیادی در این رابطه انجام شده است از جمله صیانه القرآن من التحریف (آیت الله معرفت)؛ البیان، بخش تحریف (آیت الله خوبی)؛ نزاهت قرآن از تحریف (آیت الله جوادی آملی)؛ قرآن هرگز تحریف نشده (آیت الله حسن زاده آملی)؛ افسانه تحریف قرآن (رسول جعفریان) پس چنین

نسخی (نسخ به معنای حذف) امکان تحقق ندارد و خلاف صریح قرآن است. آن چه نقل شده است، خبر واحد است با خبر واحد نمی‌تواند وجود آیه یا نسخ آیه‌ای را اثبات کرد. در حالی که اینها خواسته‌اند با آن، وجود آیه‌ای را که کسی از آن خبر نداشته اثبات کنند، آن گاه با همان خبر، نسخ آن را نیز ثابت نمایند.

گرچه مدخل نسخ این نظرات را نوعاً با عبارت «گفته شده است» آورده است اما نقل مطالب شاذ بدون رد آنها و بدون اینکه نظر محققین مطرح شود نشانه ضعف علمی و یا اغراض خاص مؤلف است. هم‌چنین مراجعه نکردن به نظرات شیعه نقطه ضعف بزرگی در این مدخل به حساب می‌آید.

نتیجه

با بررسی موارد ادعایی مدخل نسخ و تحلیل آنها به این نتیجه رسیدیم که نظر مستشرقان درباره کثرت موارد نسخ و ادعای آنها مبنی بر اینکه که موارد نسخ در قرآن به صدها عدد می‌رسد سخنی باطل است. در هیچ کدام از مواردی که ذکر کرده‌اند نسخ به معنای واقعی صورت نگرفته است و تعداد آیات منسوخ بسیار کم است و صحیح‌تر این است که اصلاً مصداقی برای نسخ مصطلح وجود ندارد. و آنچه هست یا تخصیص و تقیید است که به اشتباه نسخ گفته شده است و یا نسخ مشروط و تمهیدی است.

فهرست منابع

۱. قرآن، ترجمه رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضیلاى حوزه و دانشگاه (ترجمه گروهی قرآن کریم)، موسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. برتن، جان، «مدخل نسخ» ضمن جلد ۳۱ از موجز دایرة المعارف الاسلامی، ترجمه: علی یوسف علی، مکتب الشارقة للابداع الفکری، ۱۴۱۸ ق.
۳. بلاغی، محمدجواد، الهدی الی دین المصطفی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۴. جلال الدین، سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر للمأثور، قم: نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۵. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۳۰ ق.
۶. الدهلوی، ولی الله احمد بن عبدالرحیم، الفوز الکبیر فی اصول التفسیر، زاهدان: انتشارات صدیقی، ۱۳۸۲ ش.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، «نسخ مشروط از منظر استاد معرفت»، معرفت قرآنی (یادنگار آیت الله محمد هادی معرفت)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی جا: بی نا، بی تا.

۹. الزركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دار المعرفه، ۱۴۱۰ق.
۱۰. زيد، مصطفى، النسخ فى القرآن الكريم، بيروت: دارالفكر، چاپ دوم، ۱۳۹۱ق.
۱۱. سبكي، على بن عبد الكافي، الإبهاج فى شرح المنهاج على منهاج الوصول إلى علم الأصول للبيضاوى، تحقيق جماعة من العلماء، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۴ق.
۱۲. سيوطى، جلال الدين، الاتقان فى علوم القرآن، بيروت: دارالكتب العربى، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۱۳. شيخ مفيد، اوائل المقالات فى المذاهب و المختارات، بيروت: دار المفيد للطباعة والنشر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۱۴. طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۱۵. الطبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۱۶. طبرى، محمد ابن جرير، جامع البيان عن تأويل اى القرآن، بيروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۱۷. طوسى، محمد بن الحسن، العده فى اصول الفقه، تحقيق: انصارى قمى، محمدرضا، قم: نشر علاقبنديان، ۱۴۱۷ق.
۱۸. فيروز آبادى، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت: دار الكتب العلمية، بى تا.
۱۹. قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۶۴ش.
۲۰. قطب، سيد، فى ظلال القرآن، بيروت: دارالشروق، چاپ سى و پنجم، ۱۴۲۵ق.
۲۱. معرفت، محمد هادى، علوم قرآنى، قم: مؤسسه فرهنگى التمهيد، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.

۲۲. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.

۲۳. معرفت، محمد هادی، «نسخ در قرآن در تازه ترین دیدگاه‌ها»، مجله بینات، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۸۳ش، ص ۹۹-۱۰۷.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.

Burton. Jon. Naskh. The Encyclopaedia of Islam, 1993.